

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه علوم اجتماعی

عنوان:

بررسی مفهوم و معیار صدق از منظر حکمت صدرائی

و دلالت‌های آن در علوم اجتماعی

استاد راهنما

دکتر حمید پارسانیا

استاد مشاور

دکتر نصرالله آقاجانی

نگارش

مهدی امامی

۱۳۹۲

قال رسول الله «صلى الله عليه وآله وسلم»:

(فما ابتغى فاطمة نبي سيدة النساء العالمين من الاولين والآخرين)

ثم اتفت الى علي «عليه السلام» قال:

(يا علي ان فاطمة بضعة مني ونور مني وثمره فؤادي يسووني ماسانها ويسرني ماسرها)

بجاء الاذخر ج ٤٧ ص ٨٥، روایت ١٥٢ از باب ٥٠

تقدیم بہ صدیقہ کبری حضرت فاطمہ زہرا «سلام اللہ علیہا»

تقدیر و شکر

پاس خدای را که سخوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند.

و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان و مدار وجودشان است.

به مصداق «من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق» شایسته است از جناب آقای دکتر حمید پارسانیا که زحمت راهنمایی این رساله

را بر عهده گرفتند و همچنین از جناب آقای دکتر نصرالله آقاجانی که به عنوان استاد مشاور زحمت مشاوری این رساله را متقبل شدند تقدیر و

شکر نمایم.

چکیده

تطورات علم و نظریه‌های اجتماعی حقیقتی است که با اندک تأملی تصدیق می‌شود. مفهوم و معیار صدق به قدری مهم است که اندک تغییری در آن‌ها علم را زیر و زبر می‌کند. رئالیسم تنگ‌نظرانه، رئالیسم آشفته، ایدئالیسم و رئالیسم انتقادی «بسکار» مکاتب اجتماعی است که همه متأثر از عناصر صدق است. رویکرد جدلی علم در غرب موجب شده است مفهوم و معیار صدق در این مکاتب دچار چالش‌های جدی باشد. تنها مکتبی که توان ارائه‌ی معرفت‌شناسی صحیح و جامع را دارد رئالیسم انتقادی حکمت صدرائی است. صدرا با ارائه‌ی تقریر صحیح از مفهوم و معیار صدق به بسیاری از نظریاتی دست یافت که قبلی‌ها به آن نرسیده بودند. تغییر در مبادی و علم اعلی امکان بلکه ضرورت علم جدید را نوید می‌هد؛ از این رو مفهوم و معیار صدق از منظر حکمت متعالیه زمینه‌ی تحول در علوم اجتماعی را باعث می‌شود. دلالت‌های آشکار و پنهان، سلبی و ایجابی معرفت‌شناسی حکمت متعالیه در علوم اجتماعی به قدری است که تنها مکتبی که وصف رئالیسم و انتقادی را حقیقتاً دارد و همچنین توان توصیف و تبیین همه‌ی پدیده‌های خرد و کلان را دارد رئالیسم انتقادی حکمت متعالیه است.

واژگان کلیدی: رئالیسم، حکمت متعالیه، انتقادی، علوم اجتماعی، دلالت.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۵
۱- کلیات.....	۶
۱-۱- بیان مسئله.....	۶
۲-۱- پرسشهای تحقیق.....	۷
۳-۱- اهمیت و فایدهی تحقیق.....	۸
۴-۱- پیشینه تحقیق.....	۹
۵-۱- فرضیه تحقیق.....	۱۰
۶-۱- پیشفرض‌های تحقیق.....	۱۰
۷-۱- روش تحقیق.....	۱۰
۸-۱- هدف تحقیق.....	۱۰
۹-۱- ساختار تحقیق.....	۱۱
۲- چهارچوب مفهومی.....	۱۲
۱-۲- مفهوم.....	۱۲
۲-۲- صدق.....	۱۲
۳-۲- رئالیسم انتقادی.....	۱۳
۴-۲- حکمت صدرائی.....	۱۴
۵-۲- دلالت.....	۱۵
۱-۵-۲- دلالت عقلی.....	۱۶
۲-۵-۲- دلالت طبعی.....	۱۶

- ۱۶..... ۲-۵-۳- دلالت وضعی
- ۱۸..... ۲-۶- علوم اجتماعی
- ۱۹..... ۲-۷- معرفت شناسی
- ۲۱..... فصل دوم: عناصر صدق و تأثیر آن در علوم اجتماعی غرب
- ۲۲..... ۱- عناصر صدق
- ۲۵..... ۱-۱- تعریف معرفت
- ۲۶..... ۱-۲- امکان معرفت
- ۳۰..... ۱-۳- مفهوم صدق
- ۳۲..... ۱-۳-۱- نظریه مطابقت
- ۳۳..... ۱-۳-۲- نظریه انسجام
- ۳۶..... ۱-۳-۳- نظریه عمل گروانه
- ۳۸..... ۱-۴- ساختار توجیه و ملاک عقلانیت
- ۳۸..... ۱-۴-۱- نظریه مبنای گروی
- ۳۹..... ۱-۴-۲- نظریه انسجام گروی
- ۴۰..... ۱-۵- منابع معرفت
- ۴۲..... ۲- تأثیر عناصر صدق در نظریه‌های اجتماعی
- ۴۵..... ۲-۱- رئالیسم تنگ نظرانه
- ۴۶..... ۲-۱-۱- کنت و جامعه شناسی پوزیتیویستی
- ۴۶..... ۲-۱-۲- مارکس و جامعه شناسی انتقادی
- ۴۸..... ۲-۱-۳- وبر و جامعه شناسی تفهیمی
- ۴۹..... ۲-۲- رئالیسم آشفته
- ۵۰..... ۲-۲-۱- مکتب کنش متقابل نمادین
- ۵۱..... ۲-۲-۲- روش شناسی مردم نگر
- ۵۲..... ۲-۲-۳- جامعه شناسی ساختارگرا
- ۵۳..... ۲-۳- ایدئالیسم
- ۵۳..... ۲-۳-۱- جامعه شناسی پدیدارشناختی
- ۵۴..... ۲-۳-۲- پسا ساختارگرایی
- ۵۵..... ۲-۴- رئالیسم انتقادی

- جمع بندی ۶۳
- فصل سوم: مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی ۶۵
- ۱- جایگاه نظریه صدرا در مسائل روشی و معرفتی ۶۶
- ۱-۱- نقش ارسطو در سیر معرفت ۶۷
- ۲-۱- نقش بوعلی در سیر معرفت ۶۸
- ۳-۱- نقش شیخ اشراق در سیر معرفت ۷۰
- ۴-۱- صدرا و تحول حکمت ۷۲
- ۲- عناصر صدق از منظر صدالمتألهین ۷۳
- ۱-۲- تعریف معرفت ۷۴
- ۲-۲- امکان معرفت ۷۶
- ۳-۲- انطباق نظریه انتخابی صدرا ۷۹
- ۲-۳-۱- تمایز مفهوم صدق با حق ۷۹
- ۲-۳-۲- اشکال بر نظریه انطباق ۸۱
- ۲-۳-۳- اقسام معرفت ۸۲
- ۲-۳-۴- رابطه تصدیق و قضیه ۹۶
- ۲-۳-۷- نفس الامر ۱۱۱
- ۲-۴- معیار صدق ۱۱۵
- ۲-۵- منابع معرفت ۱۲۳
- ۳- اعتباریات و مفهوم و معیار صدق در آنها ۱۲۵
- ۳-۱- ضرورت بحث اعتباریات ۱۲۶
- ۳-۲- تعریف اعتباریات ۱۲۷
- ۳-۳- رابطه اعتباریات با «باید و نباید» ۱۲۹
- ۳-۴- مفهوم و معیار صدق در اعتباریات ۱۳۱
- فصل چهارم: دلالت‌های صدق از منظر حکمت صدرائی در علوم اجتماعی ۱۳۷
- ۱- انواع دلالت ۱۳۸
- ۱-۱- دلالت آشکار و پنهان ۱۳۸
- ۲-۱- دلالت منسجم (مکمل) و دلالت غیر منسجم (مخرّب) ۱۳۹

- ۱-۳- دلالت یقینی، دلالت ظنی و دلالت وهمی..... ۱۴۰
- ۱-۴- دلالت ایجابی و سلبی..... ۱۴۱
- ۲- دلالت‌های سلبی مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم صدرائی..... ۱۴۲
- ۱-۲- رئالیسم تنگنظرانه در ترازوی نقد حکمت صدرائی..... ۱۴۲
- ۲-۲- رئالیسم آشفته در ترازوی نقد حکمت صدرائی..... ۱۴۵
- ۲-۳- ایدئالیسم در ترازوی نقد حکمت صدرائی..... ۱۴۷
- ۲-۴- رئالیسم انتقادی روی بسکار در ترازوی نقد حکمت صدرا.. ۱۴۹
- ۳- دلالت‌های ایجابی صدق از منظر رئالیسم صدرائی در علوم اجتماعی.. ۱۵۳
- ۳-۱- روش تحقیق در علوم اجتماعی..... ۱۵۴
- ۳-۱-۱- ریشه مفهوم حق و باطل..... ۱۵۸
- ۳-۱-۲- مفهوم حجت، معیار استفاده از قضایای ترکیبی..... ۱۵۸
- ۳-۱-۳- تبیین و پیشینی از منظر حکمت صدرایی..... ۱۶۱
- ۳-۲- نقش استعاره‌ها در تفسیر، تبیین و انتقاد..... ۱۶۷
- ۳-۳- رابطه علم و ارزش از منظر رئالیسم حکمت صدرایی..... ۱۶۷
- ۳-۴- جامعه توحیدی مهمترین مسئله علوم اجتماعی..... ۱۶۹
- ۳-۴-۱- بداهت نظریه ولایت فقیه در حکمت صدرایی..... ۱۷۲
- ۳-۵- عقلانیت ذلی حلقه مفقوده‌ی ارتباط فاعل و فعل..... ۱۷۴
- ۳-۶- تسری برخی از احکام وجود حقیقی به وجود اعتباری..... ۱۷۶
- نتیجه گیری و پیشنهادات..... ۱۷۸
- فهرست منابع..... ۱۸۴

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱- کلیات

مراد از کلیات تحقیق اموری است که در تمام مراحل تحقیق جریان داشته و فرایند آن را راهبری می‌کند.

۱-۱- بیان مسئله

از جمله مباحث بنیادی هر علم که هم در ماهیت و هم در موجودیت آن تأثیر بسزایی دارد مباحث معرفت‌شناسی آن علم است. علم تا در مقام عمل و یا نظر، مفهوم و معیار صدق خود را مشخص نکند اساساً امکان رشد بلکه امکان موجود شدن ندارد. در هر علمی عالم باید معیاری برای شناخت و استنتاجات خود داشته باشد هرچند این معیار به صورت ارتکازی و بر مبنای منطق تکوین باشد.

بدیهی است که هر نظام معرفتی، دلالت‌ها و پیامدهای خاص خود را به دنبال دارد و مبتنی بر آن مسائل و علوم خاصی شکل می‌گیرد. همانگونه که شیخ الرئیس در کتاب برهان شفا تصریح کرده است همیشه مبتنی بر علم اعلی، علم‌های اخص و ویژه‌ای شکل می‌گیرد^۱ و مهم‌ترین دلیل برای امکان یک چیز، وقوع آن است. اگر در زمان رئالیسم خام، تأثیر فلسفه و مبانی معرفتی بر نظریات اجتماعی محل اشکال بود اکنون نزد اکثریت اندیشمندان اجتماعی غرب، ارتباط وثیق آن دو و تأثیر مبانی معرفتی بر نظریات اجتماعی جزء مسلمات است. این تأثیر در حکمت متعالیه نه به عنوان امر مسلم بلکه به عنوان امر یقینی شناخته شده است. مسلمات به عنوان مبادی صنعت جدل شناخته می‌شود و یقینیات به عنوان مبادی صنعت برهان. امروزه در غرب اگر تأثیر حتمی فلسفه بر نظریات اجتماعی پذیرفته شده است نه با محوریت دلیل برهانی است بلکه با بررسی تاریخی تطورات علم، امری مسلم شده است.

^۱ - شیخ الرئیس ابن سینا، الشفا (المنطق)، تحقیق: سعید زاید و الأب قنواتی، قم، مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج

۳، مقاله‌ی سوم، فصل هفتم، ص ۱۶۳

فلسفه‌ی «کنت» جامعه‌شناسی اثبات‌گرایی، فلسفه‌ی دیلتای جامعه‌شناسی تفهیمی و فلسفه‌ی مارکس جوان جامعه‌شناسی انتقادی را پدید آورد. هریک از این اقسام از منظری به جامعه نظر کرده و به تبیین، توصیف و یا داوری درباره‌ی هنجارهای موجود جامعه می‌پردازد. با این حال هر یک از آنها از مشکلی رنج می‌برد و قادر به پرداختن به حوزه‌ای از پدیده‌های اجتماعی نیست. نگاهی گذرا به فلسفه و تاریخ علم این مطلب را اجمالاً ثابت می‌کند که همیشه نظریات جدید رابطه‌ی نزدیکی با فلسفه‌ی علم و مبانی معرفتی دارد و بسیاری از تحولات علوم تابع تحولات مبانی معرفتی و تغییر نگاه در فلسفه‌ی علم و معرفت‌شناسی است.

یکی از مکاتب بسیار مهم و تأثیرگذار مکتبی است که پایه‌گذار آن آخوند ملا صدرا شیرازی است. مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرائی مسلماً دلالت‌هایی را در علوم مختلف از جمله علوم اجتماعی خواهد داشت. این دلالت‌ها می‌تواند به صورت دلالت‌های سلبی و یا ایجابی، آشکار و یا پنهان به نقد علوم اجتماعی دیگر و همچنین به تشکیل علوم اجتماعی خاصی بینجامد. انتخاب مسائل و مهم‌تر از آن، حل آنها بر مبنای مفهوم و معیار صدق از منظر نظام حکمت صدرایی با دیگر رویکردها کاملاً متفاوت است. جامعه و نهادهای توحیدی مهم‌ترین مسائلی است که روش معرفتی صدرایی دغدغه‌ی پرداختن به آنها را دارد.

نوع نگاه به هستی، انسان، جامعه بیشترین تأثیر را در علوم اجتماعی خواهد داشت و همه در گرو مفهوم و معیار صدق است. در این خصوص اندیشمند اجتماعی با تکیه بر مبانی معرفت‌شناسی صدرا به بهترین نحو می‌تواند به نظریات کاملاً منسجم و هماهنگ دست پیدا کند. مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی عالم اجتماعی را قادر می‌سازد تا در بحث روش، نظریه‌های تبیینی، تفسیری، انتقادی، هنجاری و آرمانی را به شیوه‌ای کاملاً منسجم تولید کرده و به تحلیل پدیده‌های خرد و کلان اجتماعی بپردازد.

در این نوشتار سعی شده است با بررسی اهمیت مفهوم و معیار صدق در نظریه‌های اجتماعی و همچنین بیان دیدگاه صدرا نسبت به مقوله‌ی صدق، دلالت‌های آن در علوم اجتماعی مورد واکاوی قرار گیرد.

۱-۲- پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی:

مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی و دلالت‌های آن بر علوم اجتماعی چیست؟

پرسش‌های فرعی:

۱- عناصر صدق چیست؟

۲- عناصر صدق در علوم اجتماعی چه دلالت‌هایی داشته است؟

۳- مفهوم و معیار صدق از منظر حکمت صدرایی چیست؟

۴- مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی صدرایی چه دلالت‌هایی را در علوم

اجتماعی به دنبال خواهد داشت؟

۱-۳- اهمیت و فایده‌ی تحقیق

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهام و با سیطره‌ی رئالیسم تنگ‌نظرانه اگرچه مباحث فلسفی از صحنه‌ی ظاهری علم حذف شد و ارزش آن در حد مهملات نازل داده شد اما مباحث شناخت‌شناسی دارای نقش محوری بود. بی‌ارزش خواندن مباحث فلسفی چیزی نبود که با گفته‌ی «کنت» پدید آید. آن چیزی که نقش اساسی را در این انحراف علمی جهان ایفا کرد تغییر مفهوم و معیار صدق بود.

هنگامی که در مباحث معرفت‌شناسی بنابر روش استعاره‌ای تنها راه رسیدن به خارج حس و تجربه معرفی می‌شود طبیعی است که نفس الامر، کوچک و بسیاری از ساحت‌های آن حذف شود. سیر علمی غرب از رئالیسم تنگ‌نظرانه تا نفی نفس الامر واحد و ایدئالیسم، گویای این حقیقت است که مفهوم و معیار صدق دارای نقش محوری در این ساحت است. اگر در فضای علم مفهوم و معیار صدق با تمام لوازم آن به درستی روشن نشود و نظام صحیحی از آن ارائه نشود چیزی جز درهم‌آمیختگی علمی و اختلاط تراوشهای ذهنی عاید انسان نمی‌شود و اساساً امکان نقد و رشد علوم گرفته می‌شود.

نکته مهم در اینجا این است که این مشکل قرار نیست به دنیای غرب ختم شود و با این گفته‌ی خام که این مشکل مال غرب است خود را به کشورهای دیگر تحمیل نکنند. مسائل علمی مالیت بردار نیستند چرا که انسان و فکر او مالیت بردار نیست. پیچیدگی این مسئله در جایی که اندیشمندان آن چنان مسحور علم غرب شده‌اند که در ظرف توهم، مشکلات علمی آنها را مشکل علم خود حساب می‌کنند دو چندان است. از همین روست که ما شاهد

مشکلات عدیده‌ای در فضای علمی کشورمان هستیم که نتیجه‌ی این مشکلات در ساحت‌های مختلف کشور به ویژه ساحت‌های مختلف فرهنگی بروز پیدا کرده است. از این بیان روشن گردید بحث از مفهوم و معیار صدق به قدری حائز اهمیت است که نسبت آن به سایر مباحث نسبت نخ تسبیح به دانه‌های تسبیح است چراکه بسیاری از مباحث علمی و غیر علمی وابسته به آن است.

۱-۴- پیشینه‌ی تحقیق

موضوع مورد نظر با اهمیت فراوانی که دارد اما هنوز به تفصیل، هیچ کتاب و پایان‌نامه‌ای درباره‌ی آن نوشته نشده است. کتاب‌هایی که در این ارتباط وجود دارد یا به علت کلی بودن بسیاری از ساحت‌های معرفتی را بحث نکرده‌اند و یا آنکه اساساً هیچ رویکرد اجتماعی در آنها به چشم نمی‌خورد. نمونه‌ی آن کتاب ارزشمند جهان‌های اجتماعی نوشته‌ی حمید پارسانیا (۱۳۹۱) است.

در این کتاب مولف محترم با رویکرد عامدانه‌ی ایجاز و پرداختن به کلیات در صدد ارائه‌ی نقشه‌ی کلی از تأثیر بنیان‌های معرفتی بر ساختار و محتوای علم برآمده است. همین رویکرد باعث شده است بسیاری از مباحث صدرا و رویکردهای معرفتی او مطرح نشود و در نتیجه دلالت‌های آن نیز مورد بررسی قرار نگیرد. کتابهای دیگری در ارتباط با قسمت اول مسئله‌ی این تحقیق یعنی مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی به نگارش درآمده است اما همه‌ی آنها حداقل مبتلا به سه نقیصه هستند اولاً رویکرد عرفانی صدرا را در تبیین نفس الامر لحاظ نکرده‌اند، ثانیاً بحث اعتباریات که از جمله مباحث مورد نیاز امروز است یا بحث نکرده و یا به سادگی از آن گذر کرده‌اند و ثالثاً رویکرد اجتماعی در آنها لحاظ نشده است. از جمله این آثار می‌توان به کارهای ذیل اشاره کرد:

الف) خسرو پناه، عبدالحسین و پناهی آزاد، حسن. نظام معرفت‌شناسی صدرایی، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸).

ب) جوادی آملی، عبدالله، معرفت‌شناسی در قرآن، (قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۹).

ج) عارفی، عباس، مطابقت صور ذهنی با خارج، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸).

د) عسکری سلیمانی امیری، سرشت کلیت و ضرورت، (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی، ۱۳۷۸).

ه) شریفی، احمد حسین، معیار ثبوتی صدق قضایا، (قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷).

درباره‌ی موضوع این پایان‌نامه مقاله‌ی ارزشمندی با نظر به انتقاد از رئالیسم انتقادی روی بسکار در کتاب «روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی» توسط حمید پارسانیا (۱۳۸۹) به نگارش درآمده اما به علت نگاه سلبی نگارنده، بسیاری از دلالت‌های نظام معرفتی صدرایی مورد بحث قرار نگرفته است.

۱-۵- فرضیه‌ی تحقیق

الف) ملاصدرا تئوری جدیدی در باب مفهوم و معیار صدق ارائه کرده است.
ب) تئوری ملاصدرا در باب مفهوم و معیار صدق زمینه‌ساز تحول در علوم اجتماعی می‌شود.

۱-۶- پیش فرض‌های تحقیق

الف) تمام نظریات علمی بر معنای خاصی از مفهوم و معیار صدق استوار است.
ب) مبانی معرفتی به ویژه مفهوم و معیار صدق در ماهیت علوم اجتماعی تأثیر گذار است.

۱-۷- روش تحقیق

اولین قدم برای این تحقیق گردآوری اطلاعات و نظریات گوناگون درباره‌ی عناصر صدق است. این مهم از طریق آثار و متون فلاسفه و در رأس آنها متون صدرا و همچنین دانشمندان علوم اجتماعی انجام خواهد شد. هنگامی که نظریات کشف و مستند گردید از طریق روش تحلیل عقلی به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته خواهد شد. از آنجا که هر تجزیه و تحلیلی باید با تکیه بر بنیان‌هایی و از یک منظری صورت گیرد؛ از این رو در این تحقیق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت متعالیه این روش تکمیل می‌شود.

۱-۸- هدف تحقیق

هدف از بررسی مفهوم و معیار صدق از منظر حکمت متعالیه آن است که دلالت‌های پنهان و آشکار آن را در علوم اجتماعی بررسی کنیم. یقیناً بررسی تمام دلالت‌ها در همه‌ی ابعاد چیزی نیست که از این تحقیق انتظار رود. هدف آن است که به صورت مستدل و برهانی نشان

داده شود که علوم اعلی و بنیان‌های معرفت‌شناختی تأثیر مستقیمی بر علوم اجتماعی خواهد داشت. به تعبیر بهتر امید است این تحقیق زمینه‌ای برای بررسی ظرفیت‌های جامعه‌شناسی و دیگر علوم اجتماعی از منظر صدرا باشد. با رسیدن به این هدف می‌توان افق‌های جدیدی را در تولید علوم انسانی اسلامی نظاره کرد.

۱-۹- ساختار تحقیق

عناصر صدق از مهم‌ترین مبانی معرفتی است که در تولید علم بسیار دخیل است. بسیاری از تطورات علم ناشی از دگرگونی از تغییر در عناصر صدق است. این نکته ما را وادار می‌دارد تا در فصل دوم به عناصر صدق و تأثیر آن در علوم اجتماعی بپردازیم. در این فصل نشان خواهد داده شد که چگونه عناصر صدق در تطورات نظریه‌های اجتماعی تأثیر گذار بوده به گونه‌ای که ریشه‌ی بسیاری از تغییر و دگرگونی نظریه‌ها مفهوم و معیار صدق است.

فصل سوم به بررسی مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی اختصاص خواهد داشت. هدف این فصل معرفی نظریات حکمت متعالیه در عناصر صدق است. فهم درست جایگاه حکمت متعالیه و تعریف او از عناصر صدق و همچنین فهم رویکرد حکمت متعالیه در اعتباریات از اهداف فصل سوم خواهد بود.

هنگامی که نظریات صدرا به درستی توصیف شد این امکان برای ما وجود خواهد داشت که دلالت‌های آن را در علوم اجتماعی بررسی کنیم. بررسی پیامدها و لوازم منطقی عناصر صدق می‌تواند در دو رویکرد سلبی و ایجابی بروز و ظهور یابد. در رویکرد سلبی بیشتر به دنبال نقد مکاتب اجتماعی غرب به ویژه رئالیسم انتقادی روی بسکار خواهیم بود و در رویکرد ایجابی برخی از ظرفیت‌های علوم اجتماعی صدرایی را نشان خواهیم داد.

با این توضیحات مشخص می‌شود این تحقیق در چهار فصل تنظیم شده است:

۱- کلیات تحقیق و مفاهیم.

۲- عناصر صدق و تأثیر آن در علوم اجتماعی.

۳- مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی.

۴- دلالت‌های مفهوم و معیار صدق از منظر رئالیسم انتقادی حکمت صدرایی در علوم

اجتماعی.

۲- چهارچوب مفهومی

گرچه بررسی همه‌ی مفاهیمی که در این تحقیق به کار می‌رود کاری سخت و دشوار است اما می‌توان به برخی از آنها که در چهارچوب آنها تحقیق به سامان می‌رسد اشاره کرد:

۲-۱- مفهوم

هنگامی که از مفهوم سخن می‌رود معنای لغوی آن به ذهن متبادر می‌شود. مفهوم به معنای ما يُفْهَم است یعنی آنچه که با شنیدن یک لفظ در ذهن می‌آید و از آن معنایی فهم می‌شود. به عبارت دیگر مفهوم به معنای تصور ذهنی است که از سنخ علم حصولی است و از چیزی حکایت می‌کند. از این رو مفهوم صدق در حقیقت یعنی تعریف صدق. یعنی آن چیزی که با شنیدن واژه‌ی صدق ذهن به تعریف آن رهنمون می‌شود.

۲-۲- صدق

اگرچه تصور مفهوم صدق در برخورد ابتدائی ساده به نظر می‌رسد اما با توجه به مقام‌های مختلف و با توجه به مبانی مختلف معانی متفاوتی پیدا کرده است. نکته‌ی بسیار مهم آن است که به قدری معانی رایج صدق در دنیای اسلام و غرب با هم تفاوت دارند که بررسی آن نشان از یک خطای راهبردی در مسئله‌شناسی، توسط مجامع دانشگاهی ما دارد. در دنیای اسلام هنگامی که از صدق، سخن می‌رود معمولاً سه معنا را در ذهن متبادر می‌سازد: (۱) صدق یعنی مطابقت گفتار با قوانین خداوند. (۲) صدق یعنی مطابقت گفتار با اعتقاد. (۳) صدق به معنای مطابقت قضیه با نفس الامر.^۱

در دنیای غرب به علت تحولات فکری و رفتاری و سیر إلى الظلمات، غالباً در مباحث معرفت‌شناسی سه معنا را برای صدق ذکر می‌کنند: (۱) صدق یعنی مطابقت قضیه با خارج. (۲) صدق یعنی مطابقت گزاره با عمل (عمل‌گرایی). (۳) صدق یعنی مطابقت قضیه با انسجام حاصل از سایر قضایا (انسجام‌گروی).

در این تحقیق هنگامی که از صدق یاد می‌شود مراد، مطابقت قضیه با نفس الامر است یعنی همان معنایی که نزد حکمای اسلامی از جمله ملا صدرا رایج است. معانی دیگر صدق یا مربوط به بحث نیست و یا آنکه پس از بررسی مورد نقد خواهد گرفت.

^۱ سعد الدین تفتازانی، شرح المختصر، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۹، صص ۴۲-۴۳

۲-۳- رئالیسم انتقادی

رئالیسم غالباً در مقابل ایدئالیسم به کار می‌رود. رئالیسم در مباحث فلسفی به مکتبی اطلاق می‌شود که قائل است واقعیتی ورای ذهن عالم وجود دارد و ذهن قدرت شناخت آن را دارد. واقعیت به تغییر شناخت عالم متغیر نمی‌شود و دارای ثبات است. در علوم اجتماعی نیز رئالیسم کاربرد دارد و حتی نظریه‌ای تحت عنوان «نظریه رئالیستی علم»^۱ توسط روی باسکار در سال ۱۹۷۵ انتشار یافت. رئالیسم در این نظریه دو بار معنایی را دربر دارد. یکی به معنای پذیرش حاکی از تسلیم است یعنی جهان خارج وجود دارد و در برابر خواسته‌هایمان مقاومت می‌کند. و دیگری به معنای مخالفت با پذیرش حاکی از تسلیم است یعنی انسان می‌تواند واقعیت‌های نارضایت بخش را تغییر دهد. هر دو معنا به صورت مستقل، قبل از این نظریه نیز وجود داشت. اولی در جنبش اتحادیه‌ی کارگری انگلستان با عنوان «رئالیسم جدید» که حاکی از شکست‌های گسترده در سال‌های ۱۹۸۰ با کارفرماها دارد و دومین معنا در مکتب نقاشان ویکتوریایی بریتانیا که به «رئالیست‌های اجتماعی» شهرت داشتند.^۲ واژه انتقادی که به عنوان وصف رئالیسم قرار گرفته است واژه‌ای است نوظهور. به عبارت دیگر این وصف در نزد بسیاری از فلاسفه حتی ملاصدرا کاربردی نداشته است. اما با توجه به ظهور اندیشه‌هایی مثل مکتب فرانکفورد که انتقادی از مشخصه‌های فکری آن به شمار می‌رود و یا رئالیسم انتقادی روی باسکار که برخاسته از دل مکتب فرانکفورد است؛ این وصف، نشان از این حقیقت دارد که فلسفه‌ی صدرا بهتر از هر فلسفه‌ی دیگری انتقادی است و یا بالاتر از این تنها جامعه‌شناسی انتقادی، جامعه‌شناسی صدرا می‌است.

اتصاف حکمت متعالیه به وصف انتقادی دقیقاً نمی‌تواند به همان معنای فرانکفوردی‌ش باشد؛ مخصوصاً اگر این انتقاد به معنای انتقاد درونی باشد.^۳ یاد کردن رئالیسم صدرا می‌به رئالیسم انتقادی اگرچه ابتدا قدری چالش برانگیز است اما با توجه به حقیقت رویکرد رئالیسم انتقادی چالش مذکور مرتفع می‌شود. روح و حقیقت رئالیسم انتقادی را دو رکن تشکیل می‌دهد: یکی تأکید بر قدرت انسان در شناخت و آگاهی از واقعیت و دیگری قدرت انسان نسبت

^۱ Realist theory of science

^۲ تد بتون و یان کرایب، فلسفه علوم اجتماعی بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی، ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست و محمود متحد، چاپ اول، تهران، دفتر نشر آگه، ۱۳۸۴، صص ۲۲۴-۲۲۵

^۳ ایون شرت، فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰

به قضاوت و تغییر وضع موجود.^۱ با توجه به مباحث آینده، این تحقیق درصدد بیان این مطلب است که تنها با مبنای صدرا است که می‌توان به حقیقت رئالیسم انتقادی دست یافت.

۲-۴- حکمت صدرائی

در حوزه فرهنگ اسلامی، پیش از صدرالمتهلین، در باب اهم مسائل مطرح در فلسفه (و یا هستی‌شناسی) با سه نگرش متفاوت روبرو هستیم: نگرش فلسفی، نگرش عرفانی و نگرش کلامی، به تعبیر دیگر، پیش از صدرالمتهلین (۹۷۹ ه.ق) با سه جهان‌بینی مغایر مواجه‌ایم: جهان‌بینی فلسفی، جهان‌بینی عرفانی و جهان‌بینی کلامی.

جهان‌بینی فلسفی محصول عقل است، هم پایه و اساس آن و هم روش تحقیق و نحوه-ی گسترش آن عقلی است. این جهان‌بینی با تکیه بر گزاره‌های بدیهی در قالب استنتاج‌های منطقی، و به اصطلاح به روش برهانی، فراهم آمده است.

جهان‌بینی عرفانی حاصل کشف و شهود است. عارف حقایقی را شهود می‌کند و با علم حضوری آنها را می‌یابد. هنگام قطع شهود معارفی را که اکنون دیگر به علم حصولی تبدیل شده پایه و اساس قرار می‌دهد و به روش عقلی و یا ذوقی به بسط و تفسیر آنها و استنتاج از آنها می‌پردازد.

جهان‌بینی کلامی به زعم متکلمان، حاصل نقل است. وظیفه متکلم دفاع از آموزه‌های اعتقادی دین است که در قرآن و روایات به آنها تصریح شده است و او برای ادای وظیفه به هر وسیله‌ای تمسک می‌کند، هم به عقل هم به نقل، و همچنین او برای نیل به مقصود هر روش مفیدی را به کار می‌گیرد، هم روش برهانی و هم روش جدلی را.

جهان‌بینی فلسفی خود دارای دو مشرب مشائی و اشراقی است که بزرگ‌ترین و دقیق‌ترین فیلسوف مشائی ابن سینا است و بزرگ‌ترین فیلسوف اشراقی شیخ شهاب الدین سهروردی است.

پس به بیان دقیق‌تر بنا بر آنچه گفته شد پیش از آخوند ملاصدرا در باب نگرش به هستی و پاسخ به سوال‌های هستی‌شناختی، با چهار جهان‌بینی منازع روبرویم: جهان‌بینی فلسفی مشائی، جهان‌بینی فلسفی اشراقی، جهان‌بینی عرفانی و جهان‌بینی کلامی.

در نزاع بین این چهار جهان‌بینی با نوشته شدن کتاب تجرید الکلام توسط خواجه

^۱ بتتون و کرایب، فلسفه‌ی علوم اجتماعی، ص ۲۲۵

نصیرالدین طوسی نزاع بین فلسفه و کلام خاتمه یافت اما نزاع بین مشاء و اشراق و عرفان هنوز ادامه داشت و میانجی می‌طلبید. خیلی‌ها خواستند این نزاع را بردارند ولی هر کدام دارای اشکالات علمی خاص به خود بود تا رسید به مرحوم ملا صدرا و حکمت او به نام حکمت متعالیه. حکمت متعالیه، مانند نظام مشائی و نظام اشراقی دوره‌ای کامل از فلسفه است شامل مباحثی در الهیات عام و الهیات خاص و علم النفس، اما فصل ممیز حکمت متعالیه روش بحثی صدرا و مطرح کردن مسئله‌ی اصالت وجود و اعتباریت ماهیت و تکیه خاص بر آنها در حل بسیاری از مشکلات فلسفه است. این مسئله (و یا به تعبیری تفکیک دقیق بین امور ذهنی و واقعیات خارجی) در این نظام حکمی، شاه کلیدی است که صدرالمتالهین با آن بسیاری از قفل‌های نگشوده‌ی فلسفه را گشود و در پرتو آن در زمینه‌های بسیاری توفیق یافت. اما اینکه روش صدرا در دستیابی به این توفیقات چه بوده است امری است که در فصل سوم به آن خواهیم پرداخت.

۲-۵- دلالت

مراد از دلالت، لوازم و پیامدهای یک شیء است. در علم هنگامی که یک نظریه‌ای تولید می‌شود به میزان جایگاه و اهمیت آن ممکن است تأثیراتی را بر نظریات دیگر و یا حتی علوم دیگر بگذارد. این نکته به ویژه در مسائل بنیادی بسیار آشکار است به حدی که از حد امکان فراتر رفته و ضرورتاً تأثیر خود را بر علوم اخص نمایان می‌سازد.

مسائل بنیادی هر علم عبارت‌اند از جهان‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی. اگر در جایی انسان‌شناسی نیز مطرح می‌شود از باب جهان‌شناسی است که به علت تسامح و یا اهمیت آن جداگانه ذکر می‌شود. انسان چیزی جدای از جهان و وجود نیست بلکه او نیز جزئی از هستی است. مسائل بنیادی به قدری مهم هستند که با تغییر هر یک از آنها علوم متفاوت و یا جهان‌های اجتماعی متفاوتی را خلق می‌کنند. حقیقت دوران تجدد و رنسانس غرب به تغییر مبانی معرفتی و مسائل بنیادی آن است. اگرچه گروهی از اندیشمندان غرب اهمیت این مسائل را نادیده و یا انکار می‌کردند اما بسیار از دلالت‌ها تابع نیات کنشگرها نیست. دلالت‌های پنهان بسیاری وجود دارد که خود را در ساحت‌های مختلف علمی و اجتماعی نشان داده‌اند با وجود آنکه یا مقصود کنشگر نبوده است و یا حتی با قصدی در تضاد آنچه به فعلیت رسیده است انجام شده است. در سال‌های اخیر حتی در غرب نیز این مسائل شناخته شده است و بر